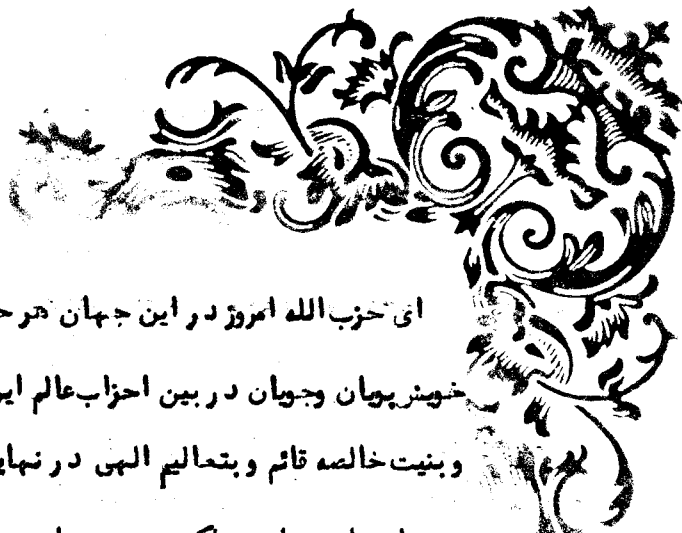


آهنگسازان

سال پنجم

شماره هشتم





ای حزب الله امروز در این جهان هر حزبی در بادیه فی سرگردان و بهوا و هوس متحرک و بخیال
خوشتر پیمان و جویان در بین احزاب عالم این حزب اسم اعظم از هر خیالی فارغ و از هر مقصدی در کنار
و بنیت خالصه قائم و بتعالیم الهی در نهایت ارزش و سعی و مجاهد تا اینکه روی زمین بهشت برین گردد
و جهان ناسوت اینه ملکوت شود جهان جهان دیگر گردد و نوع انسان تربیت و روش و سلوک دیگر یابد .
ای حزب الهی بعون و عنایت جمال مبارک روحی لاجبائنه الفدا باید روش و سلوکی نمائید که
مانند افتاب از سائر نفوس ممتاز شوید . هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد بخلق و خوی و
صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی بعموم عالم انسانی مشارکالبنان گردد جمیع اهل شهر
گویند که این شخص یقین است که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص
از خصائص بهائیانست تا باین مقام نیائید بعهد و پیمان الهی وفا ننموده اید زیرا بنصوص تا طعه از
جمیع ما میثاق وثیق گرفته که بموجب وصایا و نصائح الهیه و تعالیم ربانیه رفتار نمائیم .
ای حزب الله وقت آنست که آثار و کمالات اسم اعظم در این عصر مکرم ظاهر و آشکار شود تا -
ثابت و محقق شود که این عصر جمال مبارکست و این قرن ممتاز از قرون و اعصار .
ای حزب الله هر نفسی را مشاهده کنید که توجه تام بامر الله دارد و مقصد محصور در نفوذ -
کلمه الله شب و روز بنیت خالصه خدمت امر مینماید و ابدا در روش و سلوک راحه خود خواهی و اثری
از غرض شخصی نیست بلکه سرگشته بیابان محبت الله است و سرمست باده معرفت الله و منهک در
نشر نجات الله و منجذب بایات الله یقین بدانید که موفق ملکوتی ^{ملکوت} شود و موید اسمانی گردد و ما -
ستاره صبحگاهی از افق موهبت ابدی بنهایت نورانیت درخشنده و تابنده خواهد شد اگر بشائبه هوی
و هوس و خود پرستی مشوب یقین است که مساعی عاقبت بی نتیجه ماند و محروم و مایوس گردد .

از نامه های حضرت ابوالفضائل درباره تبلیغ

(بسم ربنا رب الارض والسما)

روحي لحضرتك الفدا خسته كتاب مستطاب آن
حضرت در قاهره مصر وصول یافت و پس از زیارت
وتلاوت بحضور مبارک حضرت مولی الوری -
النیر المشرق من سما اراده ربنا الابهیسی
اضاء الله بانوار وجهه افاق الارض والسما ایفاد
رفت امید که پیوسته آن حضرت بسرور قلب و
نضرت وجه وانشراح صدر مویذ وبنشر کلمه
الهیة که حافظ وحید هیئت اجتماعیه بشریه است
موفق باشند

حیرت در اینست که با این تهاون احباب در
تبلیغ امر حضرت رب الارباب کلمه الله بنحو
عجیب مدھش در جمیع اقطار نافذ و غالب است
وقوه قویه امرالله در عروقی وشرایین کل ملل
ناپس و ضارب آنگونه که هوشمندان ملل قویہ
را متحیر کرده و مبشرین فتنه انجیلیہ را بندای -
واشریعتای ملت اسلامیہ مجبور داشته و سیاسیین
ایشانرا در مہاوی افکار عمیقہ افکنده است
زہی افسوس کہ با این قوت غالبہ و کلمہ نافذہ
و سطوع پرهان و رسوخ بنیان احباب افسردہ مشاہد
شوند و بامور فانیہ دل بندند جہا پرہ اولی از طرح
صرح مشید و بنای کاخ مسدود جز خذلان مویذ
و سقوط در ہاویہ ہیبوط چہ فائدہ بردند کہ

ضعفای اخری از بنای عمارات محقرہ و جمع راہمزلت
فایدتی برند و نای گیرند این احباب کہ حق
جل جلالہ بابی و اسخ برای تحصیل بقای مویذ
و ذکر مخلد برایشان گشود بعضی سفر نکرده اند
و برخی کہ سفر کرده اند نظر استبصار و اعتبار
نداشته اند والا آثار ہائلہ عتیقہ مانند اہرام
مصر و نقوش جبیل ایران بندای عالی از غرور ملل
خالیہ و سرعت زوال زخارف فانیہ ارباب الباسرا
خبر میدہد و بزبان فصیح التحاق معاصرین را
پسابقین در اسرع وقت اعلام میکند و بصوت
حزین این ابیات سید یحیی قرطبی را کہ در اسر
فرنگ سرودہ تلاوت مینماید :

یا غافل اولہ فی الدھر موعظۃ

ان کت فی سنۃ فالدھر یقظان

این الملوک ذوی التیجان من یمن

و این منہم اکالیسیل و تہیجان

و این ماشادہ شداد من ارم

و این ما ساسہ فی الفرسیسان

و این ما حازہ قارون من ذہب

و این عاد و شداد و قحطان

اتی علی الکل امر لمر دلہ

حتی قضاوا فکان الکل ماکان

وصار ماكان من ملك ومن ملك

كما حكى عن خيال الطيف وستان
خلاصة القول فنای عالم وبقای حق و دوستانش امری
ظاهر است محتاج ببسط و تطویل و اقامه برهان
و دلیل نیست سخن در اینست که این انجمن را
سراجی و این جمع را شمعی لازم است تا بقوت اسم
اعظم موجب اشتعال نفوس افسرده گردد و بسبب
اجتماع این شمل مشتت شود و بحمد الله در آن خطه
مقدسه نیر وجود آنحضرت که بمعالی اخلاق

محاسن اطوار مسلم و موصوفند کالکوکب الشارق
متلثلاً و بازغ او کالجبل الشامخ ثابت و راسخ
است توانند که بتائید جمال قدم و غصنه المبارک
الاقدم الاعظم ناشر رایت نصرت و جامع این شمل
مشتت شوند و بسجیه مرضیه که بآن موصوف و معروفند
قائد این قوم و محرک این سلسله و قدوه ایسن
قبیله باشند و باقوت نفوذ بیانی که منبعث از
حرارت کامنه در روح ایمان است احباب افسرده
پزمرده را طراوت و نضرتی بخشند .

یا من تعطر من ارج حبه ارجاء قلوب الاولیاء نصرت
این امر مبهم منوط بشخصی مشخص و یا شرطی مبهم
نیست هر طیرضعیفی که با دو جناح تقوی و ایمان
در فضای نصرت طیران نماید شاهبازی قوی شود
و عقابی کاسر گردد و عالم را در زیر پر کلمه الله
مجتمع سازد و نام نیکش در دفتر جهان زینت مؤبد
و طراز مخلد باشد بدارای عالم سوگند و جهان -

خدای اعظم قسم که آیه مبارکه و نریکم من افق الابهی
و ننصر من قام علی خدمة امری بجنود من الملاء ^{علی} الا
و قبیل من الملائكة المقربین بشارتشر این ضعیف را
پیرانه سر قوت جوانی میفزاید و تلا و تش نشانه
راح ریحانی میبخشد بشه زاو بیل شود قطره
زاونیل شود زاو ابابیل شود باز سیمین پر کو
محبوب اجل جناب مستطاب حاجی سید محمد نجم
آبادی روحی له الفدا خطی مرقوم داشته و متمنی
شده بودند که از مصدر امر مازون بتبلیغ شوند
اگر چه بر حسب تصریحات وارده در الواح مقدسه
تبلیغ از فرائض محکمه شخصیه است که احدی از آن
معاف نیست و ارباب بصارترا این کلمه مبارکه جامعه
کفایت مینماید که فرموده اند (تبلیغ اکیلی اعمال
است) و در کتب مقدسه عهد عتیق قائمین بامر
تبلیغ را این گونه ستوده اند : و الفاهمون کصیبا
السما و الذین ردوا کبیرین الی الی البر کالکواکب
یضیئون الی ابد الی هور و این عبارت را پس از
بشارت بپورود یم الله میفرماید یعنی در آن روز -
دانشمندان مثل ضیای سپهر و کسانی که بسیار سراسر
براه راستی هدایت نمایند مانند کواکب ابد الابد
در خشان خواهند بود بانوار وجه الهی قسم که
امروز هر نفسی بغیر تبلیغ اشتغال جوید نام خود
را از صحیفه رجال محو نماید و در معرض کبری
بقول عرب بصفقه خاسره و خفی حنین راجع گردد -
امروز که یوم بلوغ افتده و عقول است قلوب مدرکه

دانشندان جمیع ملل را خرافات تقلیدیه و اعتقاد آ
 عتیقه و همیه و اختلافت فاحشه دینی و مذهبییه
 مکر کرده است وکل بالفطره مستعد قبول امر
 بدیع و شائق استماع این لحن مجید جدیدند
 امر واضح و حجت بالغ و کلمه ناقد و حکم غالب
 و قلوب مستعد و وسایط مسافرت در غایت سهولت
 چه جای اینست که ارباب دانش ساکت باشند و خاموش
 نشینند و پژمرده و افسرده مشاهده شوند و -
 خلاصه القول نظر بخواش خود جناب مستطاب
 حاجی سید محمد روحی لعلو همته الفدا رجای
 ایشانرا بحضور مبارک معروض داشتم و بایسن
 بسته توقیع منیع که بافتخار ایشان عدور یافته بسود
 ارسال داشته بودند و اینک لفا ارسال میشود که
 مرحمت فرموده ابلاغ فرمایند و وصول آنرا آن حضرت
 یاخود ایشان بحضور مبارک معروض دارند و چون
 فرصت نبود که مخصوصا خدمت ایشان چیزی عرض
 شود رجا دارم که از قبل این عبد تحیت و سلام
 مخلصانه خدمت ایشان ابلاغ نمایند طویس لهم ثم
 طویس لهم بشری لهم ثم بشری لهم بامری قیام
 میفرمایند که لسان و قلم این لاشیعی قاصر از وصف
 علو آن مقام است انبیا و مرسلین مقام عالی مبلغین
 را وصف فرموده اند و اولیای سابقین ایشانرا بافصح
 قول و ابلیغ بیان ستوده اند حضرت روح ایشان را
 ملیکه نافخین فی الصور تعیین نموده و جمال قدم
 این عمل مبرور را بانه اکلیل الاعمال ستایش فرموده است

روزی در محضر اقدس حضرت مولی العالم و حجة الله
 القائمة بین القبائل و الامم و الناصر الوحید لامره
 العبرم الغصن المبارک الاقدس الاعظم لازالت
 صفحات کتاب الادوار مزینة بنعوته و صفاته و آذان
 الابرار و الاحرار محظوظة ببدایع نعماته مشرف
 بودم و در طی عرایض سخنی از کثرت صدور توقیعا
 منیعه که تقریبا در این سنوات پس از صعود بچندین
 هزار بالغ شده است معروض داشتم فرمودند -
 من الی الحال آنچه نوشته ام تمام محصور در تشویس
 دوستان بامر تبلیغ بوده است پس فرمودند امروز تمام
 توجه ملکوت ابهی و تائید جنود ملاه اعلی شامسئل
 حال مبلغین است مثلا سلطان جنود کثیره و ساسکر
 عدیده در اقطار ملک دارد و لکن تمام توجه او شامل
 حال فوجی است که در میدان حرب است که پیوسته
 قلبش بر آن فوج متوجه و آنا فان از حالشان جوینا
 و مستخبر و لحظه بلحظه امدادش برایشان متواصل
 و متواتر است .

خلاصه القول این مسئله مسلم است و منکری ندارد
 که امر تبلیغ افضل اعمال است لکن مناط اجری است
 نه محض علم و اعتراف و اما آنچه از شرایط و تکالیف
 مبلغ استفسار فرموده بودند بقول عرب و للناس
 فیما یعشقون مذاهب سلق مبلغین در مسافرت
 سخلف است و اما مشرب این عبد این است
 که بقدر مقدور باید مبلغ سبکبار و قلیل الزحمه
 و سبکروح و متحمل باشد و از کثرت مزاحمت بدوستان

مدرسه تابستانه بهائیان بریتانیا در تابستان ۱۹۵۰

امسال مدرسه تابستانه بهائیان جزائر بریتانیا از جهات بسیاری بی نظیر و ممتاز بود . چه درست در نیمه اولین قرن نفوذ امر الهی در این دیار و بلا فاصله پس از اختتام مظفرانه نقشه شش ساله تشکیل شده بود و بمنزله حلقه ارتباطی بین نتایج تاریخی و اعجاب انگیز نقشه مذکور و اقدامات و فتوحات تاریخی در نقشه دو ساله آینده باید در داخل و خارج جزائر بریتانیا مخصوصا در قلب قاره تارک آفریقا تحقق پذیرد بشمار میرفت . مدرسه تابستانه امسال بمناسبت تصادف با قرن شهادت حضرت نقطه اولی مخصوصا بیاد " پیغمبر شهید و مبشر امر بهائی " تخصیص یافته بود . پرگرام مدرسه طبق دستور و هدایت مولای توانا حضرت ولی امرالله در توقیعی که بافتخار لجنه ملی مدرسه تابستانه نازل فرموده اند تنظیم شده بود . در توقیع مزبور هیکل مبارک دستور میفرمایند که در مدرسه تابستانه امسال شایسته است که چگونگی اجرای نقشه شش ساله مورد تبیین و بحث قرار گیرد تا میزان فداکاریها و استقامت های شایان تقدیر احبای بریتانیا آشکار گردد و زمینه محکم و متینی برای اقدامات آینده فراهم شود و همچنین اگر دروس مخصوصی درباره " عهد و میثاق " تنظیم

شود و این قوه عظیم که سبب اتحاد و قوت جامعه بهائی است بیاران شناسانده شود و امتیاز آن از موسسات مشابه که ساخته فکر و عقل بشری است و روز بروز بیشتر فاقد کمال و وحدت و عدم روحانیت میگردد تبیین و تشریح شود بسیار مفید خواهد بود . و نیز شایسته است که احتیاجات آینده جامعه مورد بحث و تحقیق قرار گیرد . بنابراین پرگرام مدرسه شامل چهار موضوع اساسی میشد که عبارت بودند از الف - درک کیفیت اجرای نقشه شش ساله - ب - تذکر حیات و شهادت و درک مقام و پیام حضرت با ج - تبیین و تشریح و تفهیم عهد و میثاق در امر بهائی د - مشاوره در اطراف احتیاجات آینده جامعه بهائی در بریتانیا . موضوع اساسی و محور اصلی دروس و پرگرام مدرسه " از نو ساختن جهان " بود . برای اجرای این منظور هفته اول را به مطالعه گذشته و حال و هفته ثانی را به مشاوره و وقت در باره آینده تخصیص داده بودند و مواضع عهد و میثاق و تشکیلات و تبلیغ در پرگرام هر دو هفته گنجانیده شده بود . و جلسات افتتاحیه و اختتامیه مدرسه منحصرأ مخصوص حضرت نقطه اولی بود .
مدرسه تابستانه از ۲۹ جولای تا ۱۲ اگست در

عمارت نوساز شبانه روزی دانشگاه " هال " واقع در قریه باصفای " کاتینگهام " *Cattingham* در حوالی بندر معروف " هال " *HALL* بنا شرکت ۲۰۰ نفر از بهائیان و معدودی از مبتدیها و افراد غیربهائی که از نقاط مختلف جزائر بریتانیا و قریب ۱۵ ملکیت دیگر حتی آفریقا آمده بودند برقرار بود و در این مدت کوتاه چهار نفر از شرکت کنندگان غیزبهائی موفق بایمان و امضا اظهارنامه امری گشتند .

برگرام روزانه مدرسه شامل مشرق الانکار صرف صبحانه " استماع نطق و شرکت در بحث در اطراف موضوع آن . تنفس . صرف ناهار . تفریح و گردش آزاد صرف عصرانه شرکت در کلاسهای بحث و مطالعه . صرف شام . شرکت در جلسات نطق و مباحثه . سرگرمی ها و تفریحات . بالاخره تلاوت مناجات بود . علاوه بر این هفتامی یکروز برگرام گردش بنقاط و بنا در مجاور ترتیب داده میشد چهار کلاس بحث و مطالعه به " تربیت مبلغ " عهد و میثاق " نظم اداری بهائی " و " اسلام " اختصاص داشت . کلاسهای دروس اخلاقی نیز برای جوانان و اطفال دائر بود و یکروز هم برنامه مخصوص جوانان اجرا شد . حضور جناب اصغر زاده و جناب دکتر لطف اله حکیم و جمعی از قدمای احبای بریتانیا و بیسان خاطرات تشرف ایشان بحضور مبارک حضرت عبدالبهائ

و حضرت ولی امرالله در انگلستان و در ارض اقدس بسیار موثر و مطلوب بود . شرکت کنندگان در مدرسه برای اظهار مراتب استقامت و انقیاد تامه خود بآستان مولای توانا حضرت ولی امرالله مجتعا نسخه فی از کتاب " عهد و میثاق حضرت بهاء الله " را خریداری کردند و جملگی صفحه اول آنرا امضا کردند و بحضور مبارک تقدیم داشتند . کتاب مذکور که اخیرا منتشر شده است تلفیقی است از مطالب مربوط به عهد و میثاق الهی در کتاب مقدس و قرآن و آثار مقدسه بهائی در ۱۵۰ صفحه و چنان جامع و جالب است که بزودی شهرت بسیار خواهد یافت و در شرق و غرب طالبین فراوان خواهد داشت . قسمت اول آن تحت عنوان " انتظار " شامل منتخبات کتاب مقدس و قرآن است و قسم ثانوی تحت عنوان " تحقق مواعید " مرکب از آثار حضرت باب و حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء است و قسمت ثالث بنام " نقض الامتياز " آثار قوت و عظمت عهد و میثاق الهی را مبرهن میسازد و در خاتمه کتاب شواهدی از آثار حضرت ولی امرالله برای تکمیل مطلب آورده شده است . بطوریکه ملا حظہ میفرمایند ترجمه آن بفارسی بسیار آسان و خیلی لازم و مفید است مخصوصا که در فهرست مراجع کتاب بکمال دقت و وضوح نشانی آیات و آثار مذکوره آمده است باری علاوه بر نسخه فوق الذکر متجاوز از ۵ نسخه دیگر را نیز سایرین برای یادگار باضای حاضرین

رسانیدند .

عده بهائیان ایرانی بالغ بر ۳۵ نفر بسود و چهارمین شب مدرسه پرگرامی مخصوص امر بهائی در ایران ترتیب داده شده بود و در ابتدای آن صفحه مناجات مبارک " ای خدای پر عطاى ذوالمنن " نواخته شد . علاوه بر این ۱۶ نفر از جوانان بهائی در پرگرام روز جوانان در ایراد نطق و تلاوت آثار شرکت نمودند و جوانترین ناطقین مدرسه جوانان ایرانی بودند . علاوه بر این پس از آنکه در هفته ثانی وضع بودجه و صندوق ملی مورد بحث و مطالعه قرار گرفت و احتیاج شدید محفل ملی به تبرعات روز افزون یاران بیان شد . احبای ایرانی از پیر و جوان از گردش هفتگی صرف نظر کردند و مخارج آنرا که در حدود ۱۰۰۰ ریال میشد به صندوق محفل ملی تقدیم داشتند و این اقدام مورد استحسان و امتنان بسیار قرار گرفت . یکشنبه نیز جوانان ایرانی مهمانی شامل غذاهای ایرانی ترتیب دادند که بسیار جالب و مطبوع بود . تلاوت مناجات های فارسی و عربی بالحن خوش مخصوص یاران ایرانی و مطلوب و محبوب یاران غربی بود . جلسه مخصوصی نیز از احبای ایرانی ولجته ملی ایران برای مشاوره در اطراف اشکالات حاصلین بهائی ایرانی در راه حل آن تشکیل شد که انشاء اله نتایج آن بزودی آشکار خواهد گشت . دیگر از آثار جدید امری که در مدرسه مورد

استقبال قرار گرفت تالیف اخیر جناب جورج تاووزند بعنوان " تحلیلی از عهد و میثاق " بود که عبارت از راهنمایی برای مطالعه و تحصیل عهد و میثاق است و اثری است مفید و جالب . ورود بعضی از دوستان که در کنفرانس تبلیغی ممالک اروپائی در کپنهاک شرکت کرده بودند از وقایع فراموش نشدنی مدرسه محسوب میشود و استماع اخبار جانبخش آن اجتماع بی نظیر و تلاوت تلگرافات و توایع اخیره مولای توانا خطاب به آن کنفرانس و احبای المان و احبای امریکا که مشتمل بر شارات و مواعید بسیار و متضمن راهنمایی ها و وظائف جدید دیگری است چنان شور و انجذابیی ایجاد کرد که حتی اغیار و اله وحیران گشتند . یکشنبه موضوع جلسه " ۲۹ سال ولایت امر " بود و پس از زیارت منتخباتی از تلگرافات و الواح و توایع مبارک حضرت ولی امر الله خطاب باحبای بریتانیا هر یک از حاضرین که بحضور مبارک مشرف شده بود شرح تشریف خود را بیان میکرد . عشق و توجه حاضرین نسبت بولی محبوب امر الهی هر آن رو بتزاید بود و همینکه پرگرام باخبر رسید جمع بسیاری تقاضا کردند که فوراً عریضه فی تلگرافی حاوی مراتب اطاعت و عشق بی پایان احبای حاضر در مدرسه بارض اقدس معروض گردد . دو شب آخر مدرسه وقف آفریقا شده بود هر کس که سابقه سیر و سفر در آن اقلیم داشت تجربیات سفر را

با دیگران در میان مینهاد و از آداب و رسوم و عقاید و افکار مردم آن سرزمین داستان ها میگفت و در شب دوم جناب سنت بارکر مؤسس آئین درخت کاری در دنیا و از گیاه شناسان و سیاحان معروف جهان و از شخصیت های بین المللی بهائی که سالیان دراز در جنگل های آفریقا بمطالعات علمی مشغول بوده است در ضمن بیان شرح حال خود و جریان تصدیقش فیلمهائی را که از آن قاره برداشته بود نشان داد و مطالب بسیاری در باره احوال آن سرزمین و مردم آن بیان کرد که بسیار مورد توجه حاضرین قرار گرفت. تاکنون ه نفر دواطلب مهاجرت با فریقا شده اند و قرار است که هر وقت تعداد دواطلبین به ۹ بالغ شود کلاس مخصوص و دروس مکاتبه بی لازم ترتیب داده شود تا مهیای مهاجرت گردند. زیرا قرار است هر سه نفر با همدیگر به یک مملکت بروند و عاشقانه و از روی نقشه و روش ضحیح اقدام به نشر امرالله نمایند. باید متوجه بود که افراد "کاروان" یا پیروان احمد سهراب نه تنها در آلمان و انگلستان بکمال شدت بمخالفت با امرالله قیام کرده اند بلکه در آفریقا نیز دارای پیروان و موافقین بسیاریند و مهاجرین بهائی باید در چنان اقلیم و در چنین اوضاعی به نشر نفحات الله قیام نمایند. مخصوصاً چون مورد نظر حضرت عبدالبهاء قبائل بومی آفریقا است مهاجرین این دیار باید خود را آماده برای زندگانی در بدوی ترین تمدن های روی زمین نمایند و آماده برای جانبازی و استقامت

بی نظیر باشند. در یکی از شبهای یکی از نمايشنامه های امری را که متصاعد الی الله امری بازل حال دختر لیدی بلا مفیلد بنام "بنده بهاء" تصنیف کرده است بیاد آن دوست محبوب اجرا کردند که بسیار موثر و جالب واقع شد. شبی نیز برنامه جلسه را با استماع "صوت مبارک" حضرت عبدالبهاء آغاز کردند که بسیار شورانگیز بود و در آن حین کسی ندای انفزای آن سرور عالمیان بگوش حاضران میرسید که بالحن ملکو تی میفرمایند "آنچه ملاحظه می شود از تأییدات جمال مبارک است... ما فقیریم تو غنی هستی. ما ضعیفیم تو قوی هستی... بی اختیار یا راوغیار میگریستند و چشمان اشکبارشان متوجه شمایل آن محبوب آفاق بود. مدت ها از استماع صوت مبارک گذشته بود معهدا عموم قائم بودند و متاثر و مبهورت که چگونه آنچه ۴ سال قبل از فم طهر آن نفس جلیل نازل گشته يك بیک ظاهر شده است. حالتی بود که وصف نتوان کرد و وحدت شرق و غرب و سلطنت کامله امرالله چنان واضح و مشهود بود که حضار بیانات مبارک را بچشم می دیدند.

روز جوانان صبح بسیار زود قبل از طلوع خورشید مشرق الاذکار فی الاسحار تشکیل شدند و متجاوز از ۵۰ نفر از بهائیان کشورهای مختلف در میان باغ و بیشه های باصفای مدرسه اجتماع نمودند و بکمال خضوع و ابتهال بتلاوت مناجات (بقیه در صفحه ۱۷۷)

سر خدا

غصن اعظم حضرت مولی الوری عبدالبهاء را
 آن شه کون و مکان آن سرور هرد و سرا را
 آیت فضل و کرم را رایت جو دوسخا را
 زد بگلبنگ الهی آنهمه شور و نو را
 ازلسان اطهرش لحن مناجات و دعارا
 در نشاط و وجد دارد عالم ارض و سما را
 داده بر خلق زمین حق آن سماوی گنجها را
 گلشن رویش بیاد آورده جنات العسل را
 گرد راهش سرمه کن یعنی جواهر توتیا را
 غیر ذات حق که دارد آنهمه جود و سخا را
 فیض فیاضی توهم بیگانه و هم آشنا را

دیده حق بین گشا تا بنگری سر خدا را
 آن مه میناق حق آن نیر عهد الهی
 اگر وجود او نبود دیده گیتی ندیدی
 آنکه بالحن ملیحش آنکه بانطق فصیحش
 صورت داودی کسی داند که بشنید است یکدم
 تا ابد از نغمه جانبخش و آهنگ بدیعش
 گنجهای آسمانی در خطابا تشنهفتی
 عطر گیسومش ز خاطر برده نام مشک از فر
 خاک در گاهش طلب یعنی بجو اکسیر اعظم
 ای محیط جود و دریای سخا و بحر احسان
 ابر نیسانی توهم برشوره زاروهم بگلشن

عقلها مات از صفات فکرها حیران بذات

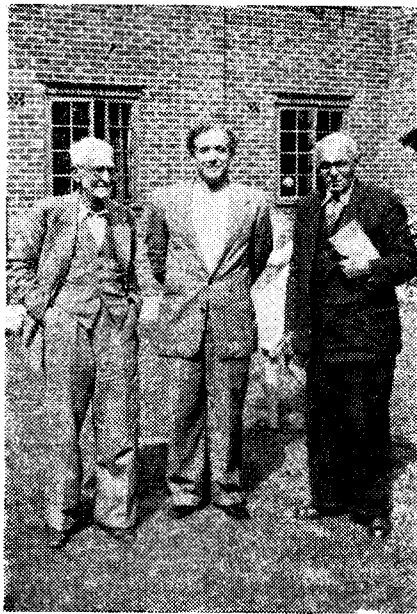
" غلامرضا روحانی "

طبع روحانی کجا جویید در مدح و ثنا را

مناجات سحری

کام از این زهر پراز شهد و شکر باید کرد
 یا چو یعقوب نبی ترک بصر باید کرد
 که سر تربتم ای دوست گذر باید کرد
 پایه را تکیه گه شاخه تر باید کرد
 دل غمگین را زین مژه خیر باید کرد
 باز هم جام پراز خون جگر باید کرد
 فارغ از سوسه عقل بسرا باید کرد
 دست با موی میانق بکمرا باید کرد
 همچو فرهاد ز جان صرف نظر باید کرد
 درک این معنی هنگام سحر باید کرد
 عباس طاهری "

ناوک شست ترا سینه سپر باید کرد
 یا که دل باید از صحبت یوسف بپرید
 وقتی از حال دل خسته ام آگاه شدی
 پشت چون گشت کمان راست نگر در بعضا
 عالم بیخبری را خبیری نیست ز غم
 خم نهی گشت و هنوزم نشکسته است خممار
 باقی عمر بصرای جنون چون مجنون
 پشت پائی بسر هر دو جهان باید زد
 با خود آن خسر و شیرین چو بدیدم گفتم
 طرفه عالی است مناجات بدرگاه بهیسا



شقایق حقایق

***** (عبد الحمید اشراق خاوری) *****

(بقیه از شماره قبل)

احتمال غلط از کاتب دارد حقوق باذن و اجازت
 مرکز میناق اخذ و صرف میشود
 نفوس که بشرف لقا در ایام الله فائز شده اند توجه
 باید بهمان هیکل مبارک نمایند " . . . انتهی "
 دیگری از احبای الهی اینقسمت از لوح مبارک
 جمالقدم جل جلاله را که باعزاز مرحوم حاجی ابوالحسن
 اردکانی امین حقوق نازلشده تلاوت کرد
 " قوله تعالی " یا ابا الحسن بتجارت مشغول
 باش علی شان لایسرك رحبها ولا تحزنك خسارتها
 کن فی کل الاحوال راضیا بما قدر لك من قلم الله
 المهیمن القیوم یا ابا الحسن جمیع دوستان را از
 قبل حق تکبیر برسان و سگو جهد نمائید تا عملیکه
 لایق این ایامت از شما ظاهر شود قل ان افرحوا
 بعنایة الله وفضله و تمسکوا بما امرتم به فی الکتاب
 یا ابا الحسن تجارت را بمنابه آسمان ملاحظه کن
 افتاب او امانت است و قمر او را ستی التجارة سما
 الامانة شمسه و الصدق قمرها امانت اعزاشیسا
 لدی الحق مذکور و در کتاب الهی مسطور از حق
 بطلب کل را باینمقام اعزاعلی فائز نماید انه لهو
 المقدر القدر انتهی پس از تلاوت فرمود در لوح
 دیگری باعزاز حاجی امین نازلشده جمالبارک بسوی

ونفس توقیع و مکتوب ناصرالدین شاه دافع او هام
 لذا آنچه بتوانید از این عکس بدست آرید و جست
 جسته بفرستید و اگر ممکن اصل توقیع را بدست آرید
 و ارسال فرمائید این خدمتی عظیمه باستان حضرت
 بیچون است " انتهی از این لوح مبارک بصراحت
 معلوم است که عکس توقیعیکه بحضور مبارک تقدیم
 شده و وصول آنرا در ضمن لوحی که تلاوت گردید
 بیان فرموده اند عکس توقیع مبارک بمحمد شاه بوده است
 و این بصراحت مذکور گردیده است یکنفر از احبای
 الهی فرمود اجازت میخواهم قسمتی از این لوح
 مبارک را که از قلم حضرت عبدالبهاء جل ثنائیه
 بافتخار مرحوم ملا محمد علی نقی نازلشده و جواب
 سوالاتش در آن مسطور برای یا ران رحمانی تسلاوت
 کنم آنگاه قسمتی از لوح مبارک را تلاوت کرد -
 قوله الاحلی ایها المنادی بالحق بین الخلق . . .
 مراد از یکور در صلوات صلوات با مداد است و میفرماید
 طوی لمن توجه فی الاسحار الی مشرق الانکار -
 بامداد شامل قبل از شمس و بعد از شمس است "
 اعراب کلمات مبارک بقاعده عربیه جایز " ایسات
 صحیحه را باید ترتیل نمود نه آیات مشکوکه که

در باره پسر مرحوم حاجی بیرزاجانی کاشانی سفارش
 میفرمایند چون اشاره بوقایع تاریخی فرموده اند
 برای اطلاع یاران آن قسمت را هم میخوانم و چنین
 تلاوت فرمود: - قوله تعالی " یا امین امریکه
 لازست ولدی الله مقبول توجه با بن شهید اهل
 الکاف حاجی میرزا جو نیست اهل کاف باید
 در هر شهر چهار تومان باو برسانند و قبض ارسال
 دارند مخدره عمه و جناب حاج ح ل س ط و
 جناب آقا سید فرج الله و سایر اولیا باید این وجه
 را در هر شهر باو برسانند البها علی من سبق
 بما اراده الله رب العالمین نسل الله ان یسود
 اولیائه علی ما یتقی به ذکرهم بدوام الملك و الملکوت
 ویوفقهم علی خدمه الامر ویکتب لهم اجر ما عملوا
 فی سبیل الله مالک هذا الیم البدیع باری در سب
 ابن حاجی مرفوع تدبیر لازست آنچه مصلحت
 دانید عمل نمائید مرحوم شهید مدتی تلقا وجه
 بوده و در سفر عظیم همراه ظوی له و لایحه ذبیح
 الذی ما منعه شبهات اخیه الاخر احمد و اشارات
 کل عالم مرید فرق الاحباب باسم ربه و اقبل و توجه
 و سرع الی ان ورد شاطی البحر از کان العظیم العظیم
 اسیرا بین ایدی الجاهلین قد خال الظالمون بیننا
 و بیننا الی ان حضر امام الوجه فی الحمام و فاز بعنایة
 ربه المشفق الکریم و من قبل فاز بالقاهرة فی ارض
 الطیف و اخری فی الزوراء کذلک قضی الامر من لدی
 الله رب العالمین . انتهى در این آیات و احادیث

کاشانی را حاجی میرزا جونی میفرمایند و نام د و
 برادرش حاجی محمد اسمعیل ذبیح و حاجی
 میرزا احمد را هم ذکر فرموده اند و اشاره بنیوت
 ذبیح و تشریف حضور مبارک در حمام و سایر نقاط
 فرموده اند و تصریح بتزلزل و اعراض حاجی میرزا
 احمد هم فرموده اند و مقصود از سفر عظیم سفر
 هیکل مبارک از طهران بطرف قلعه طبرسی است
 که گرفتار شدند و در آمل هیکل مبارک را به
 چوب بستند البته همه احبای الهی که تشریف
 دارند در نظر دارند که چند هفته قبل در
 باره ذبیح و اخوانش شرح مفصلی بیان شد و از
 اینجهت دیگر بتکرار احتیاجی نیست "

مطالعی که از شماره هیفدهم سال چهارم
 تا این شماره تحت عنوان " شقایق حقایق "
 بنظر خوانندگان عزیز رسید منتخب و نمونه
 بود از کتاب " محاضرات " که توسط دانشمند
 محترم جناب اشراق خاوری علیه بها الله تالیف
 گردیده است . ما موفقیت مؤلف محترم را از
 درگاه مولای مهربان ارواحنا فدای خواستار و
 امید داریم همواره در این تسووع خدمات
 امریه موفق و موید باشند .

از خاطرات نه ساله عكا

***** (دكتور نوس افروخته عليه رضوان الله) *****

واما تعطيل و اعياد رسی - همیشه در بیرونی مبارک یکعه گلدانهای قشنگ

موزون با گلهای رنگارنگ برای حمل بروضه مبارکه حاضر و نهیا نموده بودند در اعیاد
بزرگ جمیع مسافریں و مجاورین بالباسهای فاخر و پاکیزه دو ساعت بغروب مانده یا وقتیکه حرار
آفتاب مزاحم نباشد در بیت مبارک جمع شده هرکس يك گلدان برشانه میگذاشت ردیسف
دوید و با اصطلاح فرانسه (الاکو) از بیرونی مبارک راه میافتادند .
ایامیکه بنده مشرف بودم بواسطه تحریکات ناقضین و زمزمه های مخالفین این دسته و جمعیت از
مبارک حرکت نمینمودند بلکه گلدانها را قبلاً بیرون دروازه عکا حاضر نموده بودند و این عده از
آنجا براه میافتاد و هیکل مبارک مانند سردار لشکر جان پرور گاهی در مقدم و گاهی در کنار حرکت نموده
در حالتیکه گلدان روی شانه مبارک بود تعلیمات و فرمان میدادند و سه نفر که صاحب آواز
و لحن خوش بودند هر یک بنوبت بر حسب امر مبارک مشغول نغمه سرائی میشدند گاهی
مثنوی جمال قدم گاهی ساقی نامه گاهی هم اشعاریکه شعرای عهد جمال ابهی بمناسبت
هر عیدی سروده بودند در همان عید خوانده میشد یا این ترتیب آهسته آهسته با کمال و قارطی مسافت
مینمودند همینکه روضه مبارک نمایان میشد با مبارک همه میسایستادند گلدانها را از شانه روی سر
میگذاشتند يك مناجات غرائی بصوت بلند تلاوت میشد . الهام مقصود از توام ویتوآمد نام قلبم
را بنور معرفت منیر فرما الخ . . . در این حال چه عالی دست میداد و چهره جانیتی حاصل میشد
من از شرح حال آن عاجز و قاصم اعرابی که در اطراف تماشا میکردند و اله و حیران میشدند
خلاصه گلدانها را در مقام مبارک تسلیم یک مناجات دیگر در حال توجه خوانده میشد
همگی با طاق راحتی رفته بعد از صرف چای و شیرینی و انجام وضو از داخل روضه مبارک احباب
را احضار میفرمودند باز بهمان ترتیبی که قبلاً عرض شد زیارت نامه راتلاوت و بعد امر جلوس
میفرمودند آنوقت آیات مخصوص آن عید را یک یاد و نفر بنوبت بالحن خوشی میسرودند و گاهی بعضی
آیات جذبه جمال قدم از قبیل هله هله یا بشارت و غیره تلاوت میشد .

کوشش در تحصیل

*** (جلال صحیحی) *****

عنوان برنامه فرهنگی سپرد و شن داشتند اینک با موفقیت شایان بسر منزل آمال رسانیده هرد و بخوشی از عهد امتحانات نهائی برآمده هرد و همدف واقعی خود رسیده هرد و دیپلمهای عالی خود را اخذ کرده یکی لیسانسیه گشته است و دیگری درجه دکترا گرفته و لیسه نه بنحو عادی و معمولی و همین لحاظ پیام زحماتی که این دو جوان خادم بهائی در کسب علم و تحصیل کمالات انسانی تحمل نموده و بدون آنکه خدشه ای در ایمان و خلوص و میزان فعالیتشان نسبت بخد ماتسی که در تشکیلات امری بانها رجوع میشده وارد آید اسب خود را در میدان فعالیت فرهنگی تاخته و بکفره با وجود گرفتاریهای عادی و تضییقات مادی رو همدف اصلی خود با سلاح استقامت و پایداری و اعتماد بنفس و بی اعتنائی به تنقیدات مردم و تهدیدات روزگار رهسپار شده و تا خاتمه موفقیت آمیز خود برجای ننشسته و استراحتی نکرده اند کاملاً سزاست در نشریه جوانان زکری از ایند وجود گرام بد و ن زکر نام گردد .

لذت موفقیت در هر امر هنگامی کاملاً احساس میگردد که شخص در حینیکه بسوی هدف خوشروانست چون بمشکلات و موانعی برخورد با تدابیر و تمهیدات

در این ایام که آغاز یکسال دیگر فرهنگی اعلام شده آثار فرح و سرور و قلوب و علائم انبساط و شغف در چهره بسیاری از نفوس مشاهده میشود دانش آموزان خرد سال و محصلین جوان را میبینم برای موفقیتی که نصیبشان گردیده خدا را شکر می کنند و بوی آنها را ملاحظه میکنیم که در نهایت خرسندی ارتقاء اولاد خوشتر را بکلاس و مقامی بالاتر از فرهنگ بمنسوسین و دوستان خود ابلاغ مینمایند . سالهای فرهنگی بی دری آغاز میگردد و اطفال و جوانان بیشماری بکلاسها و مراتب بالاتر قدم میگذارند بنحویکه این امر بسیار عادی بنظر میرسد ولی با مشاهده دقیقتر مواردی کشف میشود که حقیقه قابل توصیف است و برای کسب علم و کمال جدیت و فعالیتی مشهود میگردد براستی قابل تعریف میباشد .

مطالعه شرح حال و طرز فعالیت و نوع عمل و با اصطلاح امروز خواندن بیوگرافیها در مغرب زمین جز برنامه فرهنگ عمومی است زیرا برای هر مجاهدی که در راه زندگی مواجه با مشکلاتی میشود و در برابر آرزوهای خود دیوارهای مرتفع و سد های محکم میبایست بهترین مشوق و بزرگترین عامل موفقیت بشما میبرود اخیراً دو جوان بهائی را دیدم سرور و خندان و مصداق واقعی سبکباران رزیرا بارگرائی را که دوسنه قبل تحت

عاقلا نه بر آنها فائق آید از آنچه صعب است نترسد
 و از سختیها نهراسد خطر نه بیند و ناراحتی احساس
 ننماید .
 روزی که آیند و جوان بی بحقایق مکنونه در قلب خود
 بردند احساس کردند بایستی باهم زندگانی نمایند
 دیگران از دور و نزدیک دلائل بیشمارى برای
 عدم صلاحیت آنها بشروع این شق از زندگى
 اجتماعى اقامه نمودند من جمله ایراد کردند که هیچ يك
 از این دو جوان هنوز تحصیلات خود را بی پایان
 نرسانده اند و آنطور که شایسته جوان بهائى و
 تقاضای موقعیت خانوادگی این دو است از علوم
 بهره نبرده و درجات عالییه علمى فائز نگشته اند
 ولی مهر حقیقى در دل نفوس ارجمنده و عشق واقعى
 در سر بزرگ زادگان راسخ با دلیل زبرهان خاموش
 نگرند لذا با توجه بجمیع موازین امری این دو بهم
 پیوسته و پیوسته بهمه دوستان اطمینان دادند
 معا و متحداً در طریق کسب کمال پیشرفته بد و ن
 توجه بوضع مالی و مادی که معمولاً مانع پیشرفت
 نفوس غیر مطمئنه است در طریق مطلوب خود سیر
 نمایند - رفتند و در نهایت استقامت و بدون استعا
 از دون خود بطرف مقصد خوشترهسپار گشتند
 چه بسا دیده شد که مستغرق در افکار خوشتر
 شتابان بسوی دانشکده روانند و چه بسیار
 اتفاق افتاد که بسبب اشتغال بدروس عالییه
 خود در ایام سرور عموی در حلقه دوستان

محمشور نگشتند اگر از خوراک و نوشاک امساک کردند از
 توجه تام به هدف و مقصد اصلی چشم برنگرفتند اطاق کوچک
 زندگی برایشان سالن وسیع مطالعه بود و خانه محقر
 همچون قصر پرگهرزینت وزیرشان کتاب بود و کاغذ و قلم
 و وسائل طرب و سرورشان غنورد را شمار مسطوره بزرگان
 اگر در این دو سال کم گفتند و شغفند برای این بود که
 بیشتر بخوانند و بدانند و اگر کم بتشریفات اهمیت دادند
 برای این بود که زیاد تربتالیفات اهمیت دهند باری
 این دو جوان محبوب بالاخره موفق شدند و مانند امثال
 خود که در زندگی معمولی ما انگشت شمارند شاهدی
 دیگر بر این مدعی گشتند که جوانان بهائى با تربیت محکم
 و متین روحانى و ایمان و ایقان راسخ خوشتر بهر حال و
 در هر صورت با نهایت شهامت و استقامت و شستکارى و ای
 علمند که بهترین زیور زندگی است و در طلب کمال که
 نهایت آمال هیرانسانى - اینگونه نفوس چون نجوم
 با زنده در سما معارف تثللوه و جلوه ای بی مانند دارند که
 روشنائی فکر و طرز عمل و نحوه فعالیت و میزان موفقیتشان ماد
 سایر جوانان و سبک ساده زندگی و عدم توجهشان
 بشئون مادی بخصوص در برابر ترقی در عالم معنویات
 راهنمای دیگران است در ملاقات اخیر از این دو تن پرسیدم
 اینک دیگر آرزویتان چیست گفتند آرزوی امروز و همیشه
 ما هم مانند آرزوی کلیه جوانان بهائى و یاران الهی
 تزئید معلومات و کسب کمالات انسانی است و دعای
 ما رجای موفقیت خود و همه دوستان رحمانى و نتیجه زحمات
 و تحصیلات اینست که بتوفیقات برانیه بخد ما تاملیه و نشر
 نفعات السبیه موفق شویم .

داستانی از دوستان

یافته است بهره ای گیرد و زود و توشه سفر فراهم آورد ولی او میگفت .

" من جوانم و در هر نقطه که باشم میتوانم باکد بچین و عرق جبین لقمه نانی بدست آورم و رزق یوی فراهم نمایم - سزاوار نیست که من از صندوق جامعه استفاده کنم در حالیکه می بینم افراد دیگری هستند که توانائی و قدرتی نداشته و عزم هجرت در سر پرورانیده اند . من میدانم که میتوانم در هر جا کاری بیابم - پس سزاوار نیست که سربار جامعه باشم - بگذارید فقط افراد دیگری که از من محتاج ترند از صندوق هجرت استفاده کنند . او میخواست منقطع و وارسته مهاجرت کند - یاران و یاورانش مساعدتی نمودند تا لوازم سفر مهیا شد و با چنین انقطاع و خلوصی قیام نموده از طهران خارج شد . از شئون مادیه پیراسته شد تا بزیور قبول دوست آراسته شود - بلی : جوان منقطع بهائی دارای عزق است که سد و موانع را درهم میشکند - پیش میرود تا جامعه غم دیده بشری را به پیش براند - این هدف بهائی است به پیش رفتن و به پیش راندن .

او جوانی نظیر من و شما بود در خدمات امریه

گر خیال جان همی هستت بدل اینجا میا
و رنثار جان و دل داری بیا و هم بیار
رسم ره این است گروصل بها داری طلب
و رنباشی مرد این ره دور شو زحمت میار

بگذارید این بار داستان یکی از دوستان خویش را بیان نمایم و از یاری سخن بیان آیم که امروز - فرسنگها از مابعد وراست امید میرود که این داستان برای شما نیز سودمند افتد :

.....

آندم که بعزم هجرت و رهسپار شدن بدیار غربت از شغل خویشراستعفا داد از مادیات بهره ای نداشت - ولی او تصمیم برخد مت امر نازنین گرفته بود از این امر بیم و هراسی بخود راه نمیداد . او میدانست که با تاکیدات اکیده مولای مهربان جای صبر و درنگ نیست و هنگام تفکر و تردد و تأمل سبزی شده است - او یقین داشت که امروز فقط قیام عاشقانه برای اجرای امر محبوب یگانه مقبول است و س .

دوستان نصیحتش نمودند که با این ضعف مالی از صندوق هجرت که جهت او و امثال او تخصیص

چنان کوشا بود که نمونه ای ممتاز از فعالیت و پشتکار در بین جوانان بشمار میرفت او بصفات ممتازه يك بهائی کاملاً آراسته بود و بدین سبب نزد همه محبوبیتی خاص داشت - همه زبان بتعریف و تمجیدش میگویند زیرا میدیدند که نمونه ای کامل از سعی و کوشش را نشان میدهد .

شغل مناسبی در اداره ای داشت ولی چون - دانست که الیم مختلطیس تائید رب مجید اجرای نقشه جلیله هجرت در میقات محین است از همه چیز خوشتر گذشت . سرو سامان را گذاشت و پیوسته و سامانی را پیشه ساخت و امر مبارک آواره هر سالاد و سرگشته در اقلیم شد . زحمات و مشقات فراوانی در این سبیل متحمل گردید موانع بسیار سد راهش شد ولی از جمیع آنها چون برق گذشت و بالاخره بمقصد رسید . بلیاتی که بر او وارد آمد دور از حوصله ذکر میمان است ولی او چون کوه ثابت و راسخ بود و در مقابل هجوم شدائد خم بابرو نمیآورد او آرزوی جانباختن در راه جانان داشت و اینگونه بلاها را ارزشی نمینهاد . سختیها زیاد تر شد مشقتها فروتر گشت و کاری نیز برای خود پیدا نکرده بود . مدتی را بفرهش اثاثیه ناچیز خود گذرانید تا نزدیک باتمام رسید با این همه اراضی و خشنود بود زیرا بنهایت آمال خود رسیده و وظیفه وجدانی خویش را انجام داده بود و هرچه بلا بیشتر میشد شادمان تر میگردد . بدعا بلا را طلب مینمود زیرا میدانست

که بلا ی الهی عنایتی است بظاهر نار و باطن نور " بلائی عنایتی ظاهره نار و نغمه و باطنه نور و رحمة " ولی تائیدات آسانی جمال مبارک همواره او را شامل بود علاوه بر اینکه توانست باخلق و خوی نیکوی خویش تبلیغ عملی امر عزیز محبوب نماید و بدینسان در پیشرفت این امر اعظم گامی بزند و قدمی بردارد اوضاع مادی او نیز اندک اندک بهبود یافت و گشایش محسوس و زندگی او پدید آمد .

بلی مولای بی همتا ناظر و حافظ این نفوس جانباز و فداکار است و در هر دم یاریشان میکند .

.....

دوستان عزیز اگر بخواهم تاریخ مختصر حیات این مهاجر عزیز واقدماتی را که تاکنون نموده است شرح بدهم باید کتابها برشته تحریر در آورم و قلم در این میدان جولان نتواند کافی است فقط بگویم او موفقیتی نائل شده است که در خواب نیز نظیرش را نمیدیده از آن دم که هجرت کرده است تا امروز بیش از یکبار او را ندیده ام و آن درد و سه روزی بود که برای انجام امر لازمی بطهران آمده بود ولی شرح اثرات این ملاقات را هرگز نتوانم و بدین باده هرگز گام نهم دوست من خلق جدیدی یافته بود که با سابقش مشابهتی نداشت - برآستی که يك پارچه روح بود - بیاناتش تاثیر غریبی میبخشید و چون از دل برمیخاست لاجرم بردل مینشست - بلی هر مهاجری که منقطع از ماسوی گردید و قدم در کوی جانان نهاد

رفتار و گفتار حضرت عبدالبها

قسمت ذیل از کتاب گرانمای لیدی بلا مفیلسد

(ستاره خانم) بنام (شاهراه منتخب) در ساره

گفتار و رفتار حضرت عبدالبها، بوسیله آقای

روح اله مهرباخی ترجمه شده است و قسمتها ی

دیگر از آن را در شماره های قبل بنظر خوانندگان

عزیز رسانده ایم .

میکنیم .

روز دیگر زنی نزد حضرت عبدالبها آمده و خوابی

را که دیده بود برای هیکل مبارک چنین بیان کرد :

" من شب گذشته در خواب باغ صفائی را دیدم که

خرمی و طراوت و تنوع و زیبایی گلهای آن بدرجه ای

بود که ترتیب و ترتیب آن از حیز قدرت بهترین باغبانها

خارج مینمود . در وسط این باغ دختر بسیار زیبایی

را که در حدود نوزده سال داشت مشاهده کردم

که مشغول مواظبت و مراقبت گلهای آن باغ بود . همینکه

من بیباغ وارد شدم دختر زیبا سر خود را بلند نموده

و با چهره ای جذاب و دلغریب بسوی من آمده و مرا

در آغوش خود کشید چون خوب متوجه شدم دیدم

که او شباهت زیادی به دختری که مدتی پیش از دست

داده بودم دارد " حضرت عبدالبها تبسم سحرآمیزی

کرده فرمودند " فرزند من : شما اجازه یافته ای

و قتی زنی پریشان و مایوس حضور مبارک مشرف شده

عرض نمود که من اخیرا شوهر محبوب و مهربان خود را

را از دست داده و از حضور مبارک تمنا دارم که در حق

من دعا فرمایند و تسلی و عبرت جمیل عنایت نمایند .

حضرت عبدالبها فرمودند (اگر شما قطعه زمینی برای ز

گلهای زیبای سوسن داشته باشید که بدان نهایت

علاقه را داشته و کمال مواظبت را در توجه و محافظت

آن مجری دارید آن گلهای هرگز نمی توانند شما را

به بینند و حتی نمی توانند درک نمایند که تربیت

و نمو آنها بسته بلطف و دقتی است که شما در باره

آنها مبذول میدارید . همچنان است نسبت شما با

شوهرتان . شما او را نمی بینید ولی آثار محبت

و عنایت او شما را احاطه نموده است و شما را

مواظبت و حفظ مینماید . آنها نیکه از اینجهان

گذشته و جهان الهی وارد شده اند برای ما در آنجا

دعا می کنند همچنانکه ما در اینجا برای آنها دعا

خوشد مسازاست اگر شما بتوانی آن باغ قدسی را به بینی راضی خواهی شد که اینجا در روی زمین باقی بمانی ولی این دنیا جانی است که باید در آن وظائف خود را انجام دهی (

وقتی که مادر نگارنده از جهان فانی بداریافتی انتقال نمود حضرت عبدالبها لوحی صادر فرموده و در آن بیانی از بودن مادر من در جهان ، تجدید حیات ، جوانی موجود بود تا روزی یکی از احباکه هنوز زکری از لوح نشنیده بود ولی از دوستان صمیمی مادر من بود خواب واضح و آشکاری را درباره وی بیان کرد که من در خواب باغ بسیار عجیبی دیدم که در آن بهترین و کمیابترین گلها غنچه نموده و شکوفه کرد بودند در میان آن دختر زیبایی با جلوه و شکوه بی پایانی میخرا میداد و نظرمیرسید که از عفا و طراوت این باغ شور و سرور بی حد و حصری در جان و دل او هویدا است صدای او از اطمینان خاطر و فرح نوادی کامل حکایت مینمود و ترنما ^{نبخش} جان بلبل ها گوش میداد و به بوی خوش گلها مشام معطر می نمود غفلتا بطرف من توجه نموده بالبهای متبسم و چشمان فتان بمن نگرست دیدم که او مادر شماست کوه در کمال و جلوه جوانی و بهار زندگانی ظهور نموده .
انتهمی .

که دختر خود را در وضعیت کنونی او در حالیکه در باغ مقدس یکی از عوالم غیب الهی گردن مینموده مشاهده نمائی این یکی از عنایات الهی نسبت بشما بوده از این کرامت مسرور باش "

رضوانیه خانم حکایت مینمود که وقتی بچه او مریض بود حضرت عبدالبها تشریف آورده و وعده گل میخک به بچه مرحمت کردند سپس رورا بطرف من برگردانده بالحن محبت آمیزی فرمودند " عبور باش " همان شب طفل در گذشت ! بعد هیکل مبارک تشریف آورده فرمودند (رضوانیه ! اینجهان باغ الهی است و نوع بشر در رختنهائی هستند که در آن روئید مانند باغبان حقیقی بمنزله پدرماست وقتی که او درختی را در جانی می بیند که برای پرورش و ترقی آن گنجایش نداشته و محل تنگ و نامناسب است برای آن نهال جای مناسب و بسیار خوب دیگری فراهم می کنند تا او بتواند در آنجا پرورش یافته بارور شود بعد آن نهال را از جای اول خود می کند . درختهای دیگر با تعجب می گویند این نهال بسیار زیبا و محبوب بود چه علتی داشت که باغبان او را از جای خود کند ولی فقط باغبان قدسی از حکمت و سبب آن آگاهست . رضوانیه ! - اکنون شما برای طفل خود گریه میکنی ولی اگر بتوانی محل زیبایی را که او در آنجا ساکن است به بینی دیگر محزون و غمگین خواهی شد . طفل شما اکنون آزاد و مانند یک پرنده خوش آهنگ در باغ الهی بترنما ت

قسمتهائی از کتاب ضیافت ملکوتی

***** (ترجمه . هدایت الله سهراب) *****

(ملاقات يك نامه نگار از حضرت عبدالبها)

- بقیه از شماره قبل)
- امروز صبح روزنامه نگاری که نمایندگی یکی از روزنامه های معروف عرب را داشت بملاقات من آمد و سئوالات زیر را از من نمود :
- س- شما ایرانی هستید
- ج - خیر
- س- آیا ترک و یا عثمانی هستید
- ج - خیر
- س- عرب هستید
- ج - خیر
- س- پس کجائی هستید
- ج - من از اهل ملکوت الله بوده و هلاقه دنیوی ندارم
- س- آیا هیچگونه ملیتی ندارید
- ج - بلی دارم
- س- ملیت و منسوبان شما کجا هستند
- ج - در شهرها زندگی میکنند
- س- شهرها در چه نقطه واقع است
- ج - در قسمت شرقی منطقه معتدله
- س- آیا این محل چگونه جائی است
- ج - فوق العاده زیبا و قشنگ است
- س- هوای آن چگونه است
- ج - فوق العاده معتدل است
- س- آب آن چگونه است
- ج - فوق العاده گوارا است
- س- در چه نقطه از خطوط افقی و عمودی زمین واقع است
- ج - در خط استوا واقع است
- س- ولی شما فرمودید در منطقه شرقی قسمت معتدل واقع است ولی حال میفرمائید در خط استوا واقع است
- ج - هر دو خط یکی هستند
- س- بنا بر این استدعا میکنم خصوصیات آنرا جهت بند و بیان فرمائید
- ج - آنجا عبارت از شهریدون حد و دی است که تا بحال کسی حد و آنرا نیافته است آفتاب آن هیچوقت غروب نمی کند ماه آن همیشه درید تمام است بهیچوجه افسول یا تقلیل حاصل نمیکند ستاره های آن همگی خورشید هستند فصول آن همیشه بهار است گلها و شکوفه های آن بهیچوجه پژمرده نمیشود درختهای آن همیشه مشروب و روراست اشخاعیکه در این شهر زندگی میکنند دارای زندگی جاوید بود و فنا شامل حال آنها نمیشود - روزنامه نگار جواب داد ما از چنین جائی در روی زمین اطلاعی نداریم و من جوابا با و عیادتیکه گفتم اگر خدا بخواهد شما از آنجا با خبر شد و بصدق خصوصاً جهت شما بیان نمودم امپی خواهید برد روزنامه نگار متحیر و خارج گردید .

و دعا بالسن مختلف مشغول شدند وقتی در ختام این محفل دعا مناجات مرکز میناق جهت وحدت و تقرب یاران شرق و غرب بزبان فارسی تلاوت میشد و در ظاهر آن جملات متحقق و مجسم مشهود بود تاثر حضار و انجذاب یاران بی پایان بود . و یسا در جلسه ئی که موضوع سخن " لزوم فداکاری " بود حالت دوستان چنان روحانی بود و کل چنان منقطع و مشتاق مشاهده میشدند که تصور نتوان کرد .

در اوقات آزاد در هر گوشه و کنار مجامع کوچک و جالب دوستان دیده میشد . در یک طرف جمععی پروانه وار گرد جناب اصغرزاده جمع بودند و ایشان با آن بیان شیرین از ایام تشریف ویا از اوائل تاریخ امر در این دیار داستان ها میگفتند و در طرف دیگر جوانان متحقق و طلاب مسائل امری در اطراف جناب بالیوزی مجتمع بودند و از تاریخ و فلسفه و مسائل مختلف مربوط بامر بهائی سؤال میکردند . در گوشه دیگر جناب دکتر لطفاله حکیم سرگرم تبلیغ بسود و در فضای باغ و چمن عده مشغول تفریح و بازی و در تالار کتابخانه بعضی مشغول مطالعه آثار امری . در موقع صرف غذا سالن غذا خوری تماشائی بود جملات فارسی و انگلیسی و فرانسه و ... از هر سو بگوش میرسید و سرور یاران ممالک مختلف از درك شوخی های ممالک دیگر بی پایان بود .

یکروز عصر نیز خانمی که پدرش مهندس ناظر ساختمان راه آهن بین حیفا و عتکا بوده است

و در ایام طفولیت به محضر مبارک حضرت بهاء الله مشرف شده بود و جناب اصغرزاده او را در شهر هال یافته بود مهمان ایشان بود و احباب غربی از زیارت خانمی که در موقع طفولیت بحضور جمال مبارک رسیده بی اختیار سرور میشدند . تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل .

باری این داستان چنان مفصل است که در این مختصر نمی گنجد بهتر آن است که سخن را کوتاه کنم تا بپیش از این تفصیل کلام - سبب کسالت آن یار گرام نگردد . امید است که این مختصر مقبول نظر افتد .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX
=====

(بقیه از صفحه ۱۶۱ ... از نامه های حضرت ابوالفضائل)

اجتناب نماید و از ادای فرایض و صلوات یومیه و دعوات مانوره غافل نشود ولله الاسما الحسنی فادعوه بها و حفظ مراتب تقوی را اهم اسباب نفوذ قول و عزت نفس شناسد و از لوازم حکمت که درع متین مبلغ و حصن حصین امر است بهیچ وجه و هیچ حال نگذرد تا بعون الله تعالی کلمه اش نافذ و عملش ناجح و انجا مشرنیک گردد .

یا من یظیر لدی ذکر اسمہ روحی بقول سعدی - همه آرام گرفتند و شب از نیمه گذشت چون گمان نمیرود که من بعد فراغت مراسلت یابد سه صحیفه از دستخطهای مبارک که بر نهج پنج شان صدور یافته (بقیه در صفحه ۱۷۸)

اعلانات

بود بخت خود نوشته ایفاد خدمت داشتیم که یا نبود
رانزد آن حضرت باشد محبوب ممتاز جناب حاجی
نیاز اظهار ارادت غایبانه خدمت آن حضرت مینمایند
انوار مجدت از جبین آن حضرت مشرق باد
۷ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۳

ابوالفضل معروض داشت
.....

(بقیه از صفحه ۱۷۳)

خلق جدید میباید خلقی که الی الابد نام او را جاوید و
مخلد باقی خواهد گذاشت .
.....

اکنون متجاوز از دو سال از مهاجرت او میگذرد و اینک او
از بزرگترین نعمتها که آرامش وجدان است بهره مند است
زیرا میبند که دیگر وجدان سرزنش نمیکنند که چرا
در ره امر محبوب گامی برنمیدارد او آسوده است زیرا
در محبوبیتش دلائل و بیایا و محن و آلام که از هر سو
بر او مهاجم بوده امر محبوب مولای حنون خویش را بدل
و جان پذیرفته و در ره جانان جان برکف نهادهاست .
ولی ما - ما جوانان ساکن ارض طاب - مولد مولای بیهمتا
حال که سرنوشت جامعه بشری - در مستقبل قریب و -
بعید منوط بقیام ما در این مدت کوتاه است با سعی و
کوشش و همت و جوشش قدمی بر خواهیم داشت و کاری -
خواهیم کرد که چون او و صد ها امثال او از آرامش وجدان
که بزرگترین موهبت الهی است بهره مند
گردیم ؟

۱- از مشترکین عزیز طهران متمنی است بقیه وجوه
اشتراک سال چهارم را سریعا پرداخت فرمایند
ضمنا تقاضا دارد وجه را فقط در مقابل رسید رسمی
پرداخت و محض پرداخت وجه رسید آنرا اخذ نمایند
که مجددا از آنان مطالبه نشود .

۲- از نمایندگان محترم مجله در ولایات
مستدعی است همواره هنگام ارسال وجوه
صورت ریز پرداخت کنندگان را نیز بضمیمه
ارسال فرمایند تا در دفتر مربوطه ثبت
شود .

۳- از مشترکین عزیز طهران متمنی است
در صورتیکه مجلات آنان بطور مرتب
نمییرسد ما را مطلع فرمایند تا در رفع
اشکالات موجوده اقدام شود .

هیئت تحریریه آهنگ بدیع

* * * * *

* * * * *

* * *

*